

رویکرد سرمایه گذاری اشتغال‌زا در مناطق توسعه نیافته کشور برای ساماندهی مشکلات تهران

چکیده

پایتخت یا مرکز سیاسی محل تمرکز اقتدار سیاسی در هر کشور است و شهرهای پایتختی با توجه به جایگاه ویژه‌ای که در سازمان سیاسی فضا دارند، از توانایی نقش‌آفرینی زیادی در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی برخوردارند. اگرچه نقش‌آفرینی شهر پایتختی عمدتاً از جهات سیاسی، می‌باشد ولی با توجه به تسهیلاتی که در شهرهای پایتختی وجود دارد، معمولاً انجام بسیاری از کارهای اقتصادی نیز توجیه‌پذیر است و این شهرها را از این نظر نیز برجسته می‌کند. با توجه به اینکه پایتخت هسته سیاسی اداری کشور می‌باشد و عمدتاً اداره امور کشور از آنجا رقم می‌خورد، لازم است این شهرها از پویایی و کارایی قابل قبولی برخوردار باشند تا انجام امور به صورت روان صورت پذیرد. شهر تهران به عنوان پایتخت سیاسی کشور، خود با مشکلات عدیده‌ای دست به گریبان است که می‌تواند کارایی این شهر را به عنوان هسته سیاسی کشور با مشکل مواجه کند. با توجه به اینکه تعداد قابل توجهی از مشکلات شهر تهران ناشی از مهاجرت به این شهر و جستجوی فرصت‌های شغلی در آن است، لذا به نظر می‌رسد تا زمانی که مشکلات اشتغال در پسرانه‌های کشور حل نشود، نمی‌توان امید چندانی به حل مشکلات پایتخت داشت و از قضا هر تلاشی که برای ساماندهی مشکلات پایتخت بدون توجه به حل مشکلات پسرانه‌های کشور صورت پذیرد، علاوه بر اینکه توسط هجوم تازه واردان خنثی می‌شود، بلکه موجب عدم توازن توسعه‌ای بیشتر پایتخت با مناطق دیگر کشور شده و خود انگیزه بیشتری برای مهاجرت و زندگی در تهران بوجود می‌آورد و این دور باطل مشکلات ادامه می‌یابد. با توجه به مطالب بالا، مقاله حاضر با روش توصیفی - تحلیلی به دنبال بررسی حل ریشه‌ای و سیستماتیک برخی از مشکلات پایتخت به منظور افزایش پویایی و کارایی آن است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که عدم وجود فرصت‌های اشتغال در مناطق توسعه‌نیافته کشور، موجب مهاجرت به شهر تهران و انتقال مشکلات این مناطق به شهر تهران و گره خوردن بیشتر مشکلات در این شهر می‌شود و هرگونه تلاشی برای ساماندهی شهر تهران بدون توجه به حل مشکلات پسرانه‌های کشور، نمی‌تواند با توفیق چندانی مواجه شود. در این میان علاوه بر دولت، حتی شهرداری تهران با مدیریت منابع بودجه‌ای خود می‌تواند اقدام به سرمایه‌گذاری‌هایی با توجیه‌پذیری بالا در برخی از مناطق حاشیه‌ای و مهاجرپرست کشور نماید و به نظر می‌رسد این امر در مقایسه با حجم مشابه سرمایه‌ای که در تهران برای ساماندهی مشکلات این شهر هزینه می‌شود، به مراتب اثرات بیشتری در ساماندهی مشکلات این شهر داشته باشد. چرا که هرگونه هزینه‌ای که در تهران و برای ساماندهی آن می‌شود، خود در عمل منجر به افزایش شکاف توسعه‌ای این شهر با نقاط دیگر کشور شده و در نتیجه انگیزه‌های مهاجرت به این شهر را افزایش می‌دهد و این دور باطل هرگز به نتیجه نمی‌رسد. دولت و شهرداری تهران باید به جای برخورد انفعالی با مشکلات این شهر، با شناخت منشأ آن‌ها به صورت ریشه‌ای برخورد نمایند.

واژگان کلیدی: پایتخت، سرمایه‌گذاری، اشتغال، مناطق توسعه نیافته، تهران.

مقدمه

کلان شهر تهران و مشکلاتش سالهاست که به دغدغهای همیشگی و زخمی قدیمی تبدیل گشته است. وضعیت این شهر به بیماری رنجور می ماند که دچار عوارض گوناگون و امراض آزار دهنده ای است که هر کدام به تنهایی قابل درمان نیست و هر دارویی که برای معالجه یکی از این بیماری ها تجویز می شود باعث شدت بیماری های دیگر شده و بیمار بیچاره را بی حال تر می کند. نتیجه طبیعی و عملی این روش آن است که از یک سو شهرداری تهران بزرگ و یا سایر شهرهایی که با آن تعامل روزانه دارند، برای تامین منابع مالی خود اتکای بسیار زیادی به درآمد حاصل از ساخت و ساز و افزایش تراکم ساختمانی دارند و از این طریق در حال بارگذاری مداوم جمعیتی و همزمان به بارگذاری فعالیتی و ایجاد مراکز تجاری و اداری و خدماتی هستند و از سوی دیگر، این بارگذاری با سرمایه گذاری هم زمان برای توسعه ساخت های شهری همراه نبوده است. از طرف دیگر با توجه به توسعه امکانات رفاهی در شهر تهران و عدم توازن که در برخورداری از امکانات که در این شهرنسبت به مناطق حاشیه ای کشور وجود دارد، شاهد افزایش بی رویه مهاجرت ها به این شهر می باشیم.

غالباً در کشورهای در حال توسعه جهان، مهاجرت روستائیان به شهرها، در درجه اول به سوی شهرهای پایتختی بوده و در جستجوی یک زندگی بهتر و به دست آوردن شغل صورت می گیرد. بعد از شهرهای پایتختی، شهرهای مهم و مراکز استان های دیگر کشور، مورد توجه مهاجران قرار می گیرند. در واقع مهمترین نوع مهاجرت، مهاجرت درون مرزی داوطلبانه، مهاجرت های روستائیان به شهرها بوده که پاسخی به علل و انگیزه های اقتصادی می باشد (بهفروز، ۱۳۷۴: ۱۶۲). ضعف ساختاری مناطق روستایی سبب گردیده تا روستائیان برای بدست آوردن فرصت های بهتر به مناطق شهری مهاجرت کنند. گریزناپذیری مهاجرت بویژه در میان اقشار دانش آموخته به عنوان فرار مغزهای روستایی تعبیر شده است، لذا مهاجرت برای کسب موفقیت نتیجه منطقی این شعار است (شما بازنده خواهید بود اگر روستا را ترک نکنید). بدین ترتیب به نظر می رسد ارزش های سنتی اجتماعات کوچک روستایی با منطق سادگی و بی پیرایگی در مقایسه با فرهنگ شهری رنگ می بازد و مهاجرت به عنوان یکی از پیامدهای آن تظاهر می یابد. در کشور ایران نیز مهاجرت یکی از عوامل اساسی و مهم در تحولات فضایی کشور محسوب شده و به عنوان تاثیرگذارترین عامل تحولات شهری ایران از آن نام برده اند (طاهرخانی، ۱۳۸۰: ۶۹).

با توجه به صرف هزینه کلان برای توسعه شهر تهران و اجرای طرحهای ساماندهی باز هم مسئولان شهر به موفقیت قابل توجهی دست نیافته اند و این معضل (مهاجرت بی رویه و روز افزون به کلانشهر تهران) به عدم توجه مسئولان به مناطق حاشیه ای کشور برمی گردد که میزان سرمایه گذاریها در مقایسه با تهران کم است و این عدم توازن، یعنی امکانات زیاد در تهران و کمبود امکانات در مناطق حاشیه ای باعث جذب مهاجران به شهر تهران و افزایش جمعیت و در نتیجه خنثی سازی سیاست های مسئولین و افزایش مشکلات در این شهر خواهد بود.

شواهد نشان می دهد دستیابی به فرصت های شغلی و کسب و کار، یکی از مهم ترین انگیزه های مهاجرت مهاجران به تهران است و حدود ۲۵ درصد مهاجرت های به تهران به صورت مستقیم به مباحث شغلی مربوط می شود (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰)، که دلیل اصلی این امر را می توان به تمرکز امکانات و فرصت های شغلی در پایتخت و مرکز اصلی فعالیت های اداری، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و... کشور ایران نسبت داد. لذا، با توجه به مطالب عنوان شده، پژوهش حاضر به دنبال بررسی نقش و اهمیت اشتغال در مناطق حاشیه ای و توسعه نیافته در کاهش و ساماندهی بخشی از مشکلات پایتخت می باشد که این امر از طریق سرمایه گذاری های اشتغال زا در مناطق توسعه نیافته می تواند انجام شود.

مباحث نظری

مناطق هسته

مناطق هسته به بخش هایی از سرزمین یک دولت اطلاق می شود که به دلیل سلطه سیاسی، احساسات ملی گرایانه و یا نقش و رهبری اقتصادی [و یا برتری فرهنگی] بر سایر مناطق برتری داشته باشند (میرحیدر، ۱۳۸۱: ۱۳۴). این مفهوم توسط

دورنت ویتلسی جغرافیدان آمریکایی ابداع شده است. ویتلسی منطقه هسته را چنین تعریف می‌کند: ناحیه‌ای که کشور در درون یا پیرامون آن به وجود می‌آید (مویر^۱، ۱۳۷۹: ۲۱۵). در این زمینه دلبیو. جی. ایست جغرافیدان انگلیسی نیز دیدگاه ویتلسی، منطقه هسته را منطقه‌ای می‌داند که پایتخت در آن قرار دارد و با توجه به جمعیت، منابع و نیروی سیاسی آن برای کشور از ارزش زیادی برخوردار است (دیکشیت^۲، ۱۹۹۵).

مدل مرکز پیرامون

مدل مرکز پیرامون یک مادر شهر صنعتی را نشان می‌دهد که ناحیه پیرامون روستایی بهای مدرنیزه شدن آن است؛ مانند قطبی شدن توسعه که افزایش تفاوت‌های ناحیه‌ای را نشان می‌دهد. در نظریه فریدمن تسلط هسته بر پیرامون چند جانبه است و برتری خود را از راه‌های دیگر نیز بر آن اعمال می‌کند.

۱- اثر سلطه: منطقه پیرامون به دلیل انتقال دائم منابع انسانی، طبیعی و سرمایه به هسته تضعیف می‌شود؛

۲- اثر اطلاعاتی: کنشهای متقابل و تماس‌های بالقوه در مناطق هسته‌ای قوی‌تر است؛

۳- اثر روانی: موفقیت در نوآوری؛

۴- اثر مدرنیزاسیون: ارزش‌های اجتماعی و تغییرات رفتاری در منطقه هسته‌ای سریعتر با نوآوری تطبیق می‌یابد؛

۵- اثر پیوند: با خلق نوآوری‌ها به وسیله نوآوری؛

۶- اثر تولیدی: ایجاد یک نظام تشویقی مجذوب کننده برای نوآوری‌ها، از جمله تخصص و رشد ویژگی‌های اقتصادی مقیاس.

این آثار با یکدیگر روابط تنگاتنگی دارند و بین آن‌ها روابط علت - معلولی برقرار است؛ برای مثال، کنش‌های متقابل و تماس‌های بالقوه در مناطق هسته‌ای می‌تواند منجر به نوآوری شود و نوآوری نیز مدرنیزاسیون را به دنبال دارد (پاپلی‌یزدی و ابراهیمی، ۱۳۹۰: ۱۹۶).

نقش و کارکرد پایتخت

پایتخت شهری است که دارای معمولاً بیشترین تعداد جمعیت و بزرگترین مراکز اقتصادی و فرهنگی است (بهفروز، ۱۳۸۰: ۱۹۷). مهمتر از همه پایتخت مرکز اقتدار سیاسی کشور به شمار می‌رود و معمولاً مرکز استقرار سران سه قوه (مجریه، قضائیه، مقننه)، اعضای آن‌ها، کلیه وزارتخانه‌ها، ادارات دولتی و سفارتخانه‌های خارجی است (میرحیدر، ۱۳۸۱: ۱۳۱). در واقع این مکان مرکزیت جغرافیایی، هندسی و یا کارکرد یک فضای جغرافیایی است که از یک سو نیروهای انگیزشی مستقر در آن، عناصر و عوامل انسانی و کالبدی فضا و جریانات و شبکه‌ها را به سوی خود جذب می‌کند و از طرف دیگر نقطه مرکز برای پخش پدیده‌ها، فرمانها و اعمال اراده سیاسی در اقصی نقاط فضای مربوط به شمار می‌رود (حافظ نیا، ۱۳۸۱: ۲۸۲). پایتخت مهمترین عنصر ساختار سیاسی فضا با کارکرد و هویت سیاسی-اداری و نیز کارکردهای اقتصادی-تجاری-فرهنگی می‌باشد، این واحد فضایی-سیاسی صرفنظر از فلسفه وجودی، ماهیت و کارکردهای سیاسی-اداری و نیز اقتصادی-تجاری فرهنگی آن، با توجه به اینکه قانون اقتدار و حاکمیت سیاسی حکومت و نیز تکیه‌گاه اصلی دولت مرکزی به حساب می‌آید و نسبت به عناصر سازمان سیاسی فضا از موقعیت ترجیحی برخوردار است، مورد توجه خاص جغرافیای سیاسی است (ولی‌قلی‌زاده، ۱۳۸۷: ۳۳).

پایتخت قبل از هر چیز مرکز کنترل سرزمین و مکانی برای تصمیم‌گیری‌های سیاسی و مرکز نمادین یک کشور به شمار می‌رود (تیلور^۳، ۱۹۸۹: ۱۴۷). این مکان در برگیرنده تشکیلات اجرایی مرکزی یک واحد سیاسی و معمولاً شامل دیگر سازمان‌های فضایی، قانونی، آموزشی و فرهنگی است (ویگرت^۴ و دیگران، ۱۹۵۷: ۱۴۳) و نیز محل ملاقات نمایندگان دولت با نمایندگان دیگر دولتهاست. معمولاً هیأت‌های دولت‌های دوست در پایتخت استقرار می‌یابند. نمایندگی

۱. Muir

۲. Dikshit

۳. Taylor

۴. Wiegert

بانک‌های خارجی و اتاق‌های بازرگانی، تا اندازه‌ای به خاطر تماس مستقیم با حکومت، دفاتر خود را در شهر پایتخت برپا می‌کنند (پاندز^۱، ۱۹۶۳: ۱۸۷). پایتخت از دو کارکرد ذاتی متفاوت برخوردار است: الف) کارکرد جذبی و کششی. ب) کارکرد دفعی و پراکنشی، یعنی انسانها، جریانه‌ها، مواد و شبکه را به سوی خود جذب می‌کند و پدیده‌ها، فرمان‌ها، دستورالعمل‌ها، عملیات کنترل و نظارتی، تولیدات و غیره را در سطح فضای مربوط پخش می‌کند و فضا را به حوزه نفوذ و قلمرو اعمال اراده سیاسی خود تبدیل می‌کند (حافظنیا، ۲۸۲: ۱۳۸۱)، ایجاد اتحاد و برقراری انسجام دولت، کارکرد اصلی یک پایتخت ملی است. در واقع، پایتخت مرکزی است برای اشاعه نفوذ و اقتدار سیاسی و فرهنگی که از تأثیرات ملی‌سازی برخوردارند (کوهن^۲، ۱۹۶۴: ۱۶۸). پایتخت‌ها تمرکز دهنده احساسات [و عواطف گروه‌های مختلف] بوده و پیوندهای موجود میان ملت‌ها را تقویت می‌کنند (پاندز، ۱۹۶۳: ۱۹۲). بنابراین همان طور که ویتلسی اشاره می‌کند، پایتخت انعکاس دهنده هستی قدرت و تشکیلات سیاسی دولت است که دارای سیستم مدیریت مرکزی است. پایتخت‌ها تجسم مناطق مرکزی‌اند که به عنوان قانون‌های ملی‌گرایی ظاهر شده‌اند (کوهن، ۱۹۶۴: ۱۶۹). با وجود اهمیت پایتخت در توسعه و شکوفایی کشورهای، تمرکز بیش از حد امکانات و به طور کلی فرصت‌ها، سبب شکل‌گیری تراکم شدید جمعیت در این مراکز شده و در نتیجه تراکم بالای جمعیت، مشکلات متعددی به وجود خواهد آمد. یکی از مهم‌ترین سیاست‌ها و راهبردها مطرح شده در این زمینه، سیاست تمرکززدایی است که در ادامه به‌صورت خلاصه تشریح می‌شود.

سیاست‌های تمرکززدایی و تراکم‌زدایی

در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ در برخی از کشورهای آسیایی، آفریقایی و آمریکای لاتین برنامه‌ریزی‌های مختلف فضایی در جهت تمرکززدایی و تعادل‌های ناحیه‌ای انجام گرفت. این سیاست‌های فضایی را می‌توان در چند گروه اصلی طبقه بندی کرد: الف) برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌هایی که در جهت دگرگونی اقتصاد روستایی انجام گرفت تا در نتیجه آن، گسترش شهرها به آرامی انجام گیرد؛

ب) سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌هایی که هدف آن محدود کردن رشد شهرهای بزرگ از طریق کنترل مهاجرت‌ها بود؛ ج) سیاست‌هایی که هدف اصلی آن آهسته کردن رشد بزرگترین شهرها از طریق فراهم کردن امکانات لازم برای رشد شهرهای میانی، با ایجاد مراکز جدید شهری بود (شکویی، ۱۳۸۴: ۴۰۶).

به طور خلاصه لزوم استقرار نظام عدم تمرکز را می‌توان در موارد زیر بیان کرد: تنوع و تکثر قومی، نژادی، جغرافیایی و زبانی؛ وسعت و پراکندگی بیش از حد مناطق جمعیتی و لزوم سرعت عمل در اداره امور؛ فشار بیش از حد مطالبات ملی- محلی بر حکومت مرکزی؛ ترجیح رشد کیفی (توسعه) بر رشد کمی اقتصادی؛ افزایش ظرفیت‌های مشارکت مردم و توسعه از پایین با احیای قابلیت‌های محلی- مردمی (نگهبان مروی، ۲۶: ۱۳۸۱).

روش تحقیق

پژوهش حاضر به لحاظ هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی- تحلیلی می‌باشد، برای گردآوری داده‌ها از روش‌های اسنادی و کتابخانه‌ای و برای تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی شامل میانگین، درصد، نسبت و آمار تحلیلی شامل آزمون همبستگی پیرسون و جهت نمایش فضایی داده‌ها از نرم افزا سامانه اطلاعات جغرافیایی (نسخه ۱۰) استفاده شده است.

یافته‌های تحقیق

مهاجرت به استان تهران

مهاجرت شکلی از تحرک جغرافیایی یا تحرک مکانی جمعیت است که بین دو واحد جغرافیایی صورت می‌گیرد این تحرک جغرافیایی تغییر اقامتگاه از مبدأ یا محل حرکت به مقصد یا محل ورود می‌باشد (زنجانی، ۱۳۷۶: ۴۷). مهاجرت از استان‌های دیگر به استان تهران از دهه ۱۳۳۰ شمسی شتاب گرفته است. همچنان که در جدول شماره ۱

۱. Pounds

۲. Cohen

رویگرد سرمایه گذاری اشتغال‌زا در مناطق توسعه نیافته کشور .../۲۳

ملاحظه می‌شود، در سه دهه گذشته همواره این استان مهاجرپذیرترین استان کشور بوده است که این امر ارتباط زیادی با وجود فرصت‌های اشتغال رسمی و غیررسمی در این استان دارد.

جدول ۱- مهاجران وارد شده، مهاجران خارج شده، خالص مهاجرت در استان تهران سالهای ۱۳۸۵-۱۳۵۵

دوره	مهاجران وارد شده	مهاجران خارج شده	خالص مهاجرت
۱۳۵۵-۱۳۶۵	۷۴۱۹۴۰	۲۶۵۹۴۴	۴۷۵۹۶۶
۱۳۶۵-۱۳۷۵	۸۳۷۳۷۰	۴۸۶۹۸۷	۳۵۰۳۸۳
۱۳۷۵-۱۳۸۵	۱۴۳۸۴۰۶	۹۳۵۴۷۳	۵۰۲۹۳۳

منبع: مرکز آمار ایران

جدول ۲، مهاجرت از هر کدام از استانها به استان تهران و همچنین مهاجرت‌های مرتبط با اشتغال که شامل مجموع مهاجرت‌ها برای جستجوی کار، جستجوی کار بهتر و انتقال شغلی می‌باشد و نیز درصد مهاجرت‌های مرتبط با اشتغال هر یک از استانها به استان تهران را نشان می‌دهد. همچنانکه ملاحظه می‌شود، ۳۵/۵۶ درصد مهاجرت‌های استان کردستان به استان تهران به علت اشتغال می‌باشد و این استان از این نظر در رتبه اول قرار دارد.

جدول ۲- کل مهاجرت و مهاجرت‌های صورت گرفته مرتبط با اشتغال به استان تهران در ۵ سال منتهی به سرشماری ۱۳۹۰

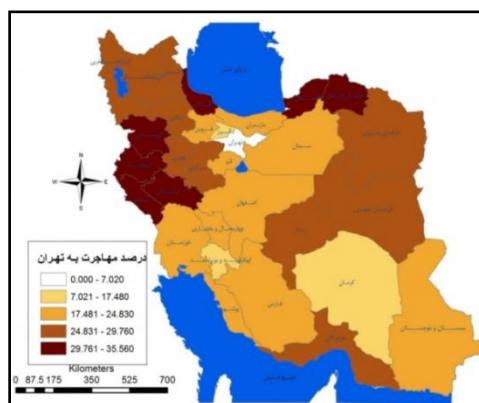
جنس و استان محل اقامت قبلی	نرخ بیکاری	جمع کل مهاجرین	مهاجرت در ارتباط با اشتغال ^۱	درصد مهاجرت مرتبط با اشتغال نسبت به کل مهاجرت‌ها
مردوزن	۱۲/۳	۹۷۸۸۱۱	۱۶۵۹۹۸	۱۶/۹۶
آذربایجان شرقی	۸/۸	۲۴۸۸۹	۶۶۴۹	۲۶/۷۱
آذربایجان غربی	۱۳	۹۰۰۲	۲۵۹۲	۲۸/۷۹
اردبیل	۱۲/۷	۱۶۳۳۷	۴۵۲۷	۲۷/۷۱
اصفهان	۱۳/۲	۱۹۸۶۵	۴۳۸۳	۲۲/۰۶
البرز	۱۹/۳	۴۱۶۱۶	۶۳۳۴	۱۵/۲۲
ایلام	۱۵/۷	۴۴۸۷	۱۳۹۷	۳۱/۱۳
بوشهر	۱۱	۲۴۷۳	۶۱۴	۲۴/۸۳
تهران ^۱	۱۱/۳	۴۹۱۹۱۱	۳۴۴۷۸	۷/۰۱
چهارمحال و بختیاری	۱۳/۳	۱۵۲۰	۳۱۷	۲۰/۸۶
خراسان جنوبی	۸/۴	۱۶۲۳	۴۱۸	۲۵/۷۵
خراسان رضوی	۹/۱	۲۸۷۶۱	۸۳۴۵	۲۹/۰۱
خراسان شمالی	۱۲/۱	۷۴۲۲	۲۶۰۱	۳۵/۰۴
خوزستان	۱۰/۵	۱۴۳۲۶	۳۰۸۷	۲۱/۵۵
زنجان	۸/۴	۸۶۶۱	۲۴۰۹	۲۷/۸۱
سمنان	۱۰/۳	۵۷۰۸	۱۳۷۵	۲۴/۰۹
سیستان و بلوچستان	۹/۹	۴۷۶۱	۱۰۹۰	۲۲/۸۹
فارس	۱۸/۵	۱۰۷۶۶	۲۳۲۱	۲۱/۵۶
قزوین	۱۲/۴	۱۱۲۲۰	۲۶۳۵	۲۳/۴۸
قم	۹/۸	۱۰۵۱۸	۲۰۷۱	۱۹/۶۹
کردستان	۱۴	۱۱۴۱۴	۴۰۵۹	۳۵/۵۶
کرمان	۱۲/۱	۴۷۲۱	۸۲۵	۱۷/۴۸
کرمانشاه	۱۵/۷	۲۲۰۲۹	۶۶۸۲	۳۰/۳۳
کهگیلویه و بویراحمد	۱۴/۱	۹۷۳	۱۲۴	۱۲/۷۴
گلستان	۸/۷	۹۵۶۷	۳۱۶۰	۳۳/۰۳
گیلان	۱۶/۶	۱۹۳۴۹	۶۳۵۸	۳۲/۸۶
لرستان	۱۹/۲	۱۹۰۰۸	۵۸۳۵	۳۰/۷۰
مازندران	۱۰/۲	۱۵۵۴۹	۳۷۳۶	۲۴/۰۳
مرکزی	۱۱	۱۷۹۹۸	۴۷۰۱	۲۶/۱۲
هرمزگان	۱۱	۴۶۲۲	۱۱۸۳	۲۵/۵۹
همدان	۱۲/۴	۲۵۵۵۲	۷۶۰۵	۲۹/۷۶
یزد	۶	۴۴۲۱	۱۲۰۵	۲۷/۲۶

منبع داده‌های خام: سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۹۰

۱- این ستون حاصل مجموع ارقام جستجوی کار، جستجوی کار بهتر و انتقال شغلی می‌باشد.

۲- مهاجرت‌های صورت گرفته در داخل استان تهران

همچنین شکل ۱ درصد مهاجرت‌های مرتبط با اشتغال هریک از استان‌ها به استان تهران در بین سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ را در ۴ سطح نمایش می‌دهد که همچنانکه ملاحظه می‌شود ۷ استان کردستان، ایلام، کرمانشاه، لرستان، خراسان شمالی، گلستان و گیلان در سطح اول قرار دارند. ۱۰ استان آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، زنجان، مرکزی، همدان، خراسان رضوی، خراسان جنوبی، یزد و هرمزگان در سطح دوم و ۱۰ استان مازندران، قزوین، سمنان، قم، اصفهان، چهارمحال و بختیاری، خوزستان، بوشهر، فارس و سیستان و بلوچستان در سطح سوم همچنین ۳ استان البرز، کهگیلویه و بویراحمد و کرمان در سطح چهارم قرار دارند.



شکل ۱= درصد مهاجرت‌های مرتبط با اشتغال به استان تهران

انگیزه‌های مهاجرت و رابطه مهاجرت‌های مرتبط با اشتغال با توسعه‌یافتگی استان‌ها

بر اساس داده‌های نتایج سرشماری ۱۳۹۰، در فاصله سالهای ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ به طور میانگین انگیزه اصلی حدود ۲۵ درصد از مهاجرین به استان تهران در ارتباط با مسائل اشتغال و فرصت‌های شغلی بوده است. بنابراین، با توجه به مستندات مرکز آمار می‌توان چنین نتیجه گرفت که مسائل شغلی از جمله مهم‌ترین عوامل و انگیزه‌های مهاجرت به شهر تهران هستند (جدول ۳).

جدول ۳- انگیزه‌های مهاجرت به استان تهران در طی سالهای ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰

انگیزه‌های مهاجرت	جمع	جستجوی کار	جستجوی کار بهتر	انتقال شغلی	تحصیل	پایان تحصیل	خدمت وظیفه	دستیابی به مسکن مناسب‌تر	پیروی از خانوار	سایر	اظهار نشده
مرد و زن	۹۷۸۸۱۱	۹۳۹۴۹	۳۹۳۹۶	۳۲۶۵۳	۵۳۵۲۹	۳۱۲۰	۱۴۲۹۷	۱۴۷۹۶۴	۵۰۵۰۰۶	۶۳۳۹۲	۲۵۵۰۵
درصد	۱۰۰	۹/۶۰	۴/۰۲	۳/۳۴	۵/۴۷	۰/۳۲	۱/۴۶	۱۵/۱۲	۵۱/۵۹	۶/۴۸	۲/۶۱

منبع: مرکز آمار ایران، سرشماری نفوس و مسکن، ۱۳۹۰

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد استان تهران به لحاظ توسعه‌یافتگی (توسعه‌یافتگی در شاخص‌های توسعه از جمله اشتغال، سطح سواد، برخورداری از امکانات زیرساختی، بهداشتی، ارتباطی و...) در بین سایر استان‌های کشور با ضریب ۰/۶۰۰۴، رتبه اول را به خود اختصاص داده است. استان تهران در گروه استان‌های با میزان مهاجرپذیری زیاد قرار دارد.

جدول ۴- میزان توسعه‌یافتگی و درصد مهاجرپذیری استانها

استان	درجه توسعه‌یافتگی استان	درصد مهاجرپذیری استان
آذربایجان شرقی	۰/۴۴۱۷	---
آذربایجان غربی	۰/۳۷۳۱	زیاد
اردبیل	۰/۳۹۵۱	---
اصفهان	۰/۴۶۷۴	خیلی زیاد
ایلام	۰/۳۸۴۸	کم
بوشهر	۰/۳۷۵۳	---
تهران*	۰/۶۰۰۴	خیلی زیاد
چهارمحال بختیاری	۰/۴۰۲۱	---
خراسان جنوبی	۰/۴۰۳۶	---

ادامه جدول ۴- میزان توسعه‌یافتگی و درصد مهاجرپذیری استانها

استان	درجه توسعه‌یافتگی	درصد مهاجرپذیری استان
خراسان رضوی	۴۲۹۸/۰	کم
خراسان شمالی	۳۷۵۵/۰	---
خوزستان	۴۶۴۰/۰	خیلی زیاد
زنجان	۴۲۹۳/۰	---
سمنان	۴۶۴۷/۰	متوسط
سیستان و بلوچستان	۳۰۲۸/۰	---
فارس	۳۷۹۹/۰	---
قزوین	۴۳۳۷/۰	---
قم	۴۸۲۵/۰	زیاد
کردستان	۳۷۴۹/۰	متوسط
کرمان	۳۷۰۱/۰	کم
کرمانشاه	۴۰۰۳/۰	---
کهگیلویه و بویراحمد	۳۶۸۵/۰	---
گلستان	۳۹۸۶/۰	---
گیلان	۴۳۶۷/۰	---
لرستان	۳۶۳۵/۰	---
مازندران	۴۳۶۵/۰	متوسط
مرکزی	۴۳۳۳/۰	خیلی زیاد
هرمزگان	۳۸۲۱/۰	کم
همدان	۴۳۰۲/۰	---
یزد	۴۴۴۷/۰	کم

*استان البرز جزو تهران منظور شده است.

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰؛ اسلامی، ۱۳۹۱: ۶۵-۵۵ و قرخلو و حبیبی، ۱۳۸۵

همچنین به منظور مشخص شدن وجود یا عدم وجود رابطه معنادار بین درصد مهاجرت‌های مرتبط با اشتغال به استان تهران با سطح توسعه‌یافتگی استانها در بین سالهای ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰، از آزمون آماری همبستگی پیرسون استفاده شد که سطح معناداری (۰/۰۰۴ = سطح معناداری) و مقدار همبستگی (۰/۴۹۹-) نشان می‌دهد که رابطه معنادار معکوس بین مهاجرت‌های مرتبط با اشتغال با سطح توسعه‌یافتگی استانها برقرار است، بدین معنی که هرچه سطح توسعه‌یافتگی استانها کمتر می‌باشد، مهاجرت از آنها برای امور اشتغال به استان تهران بیشتر می‌شود و برعکس (جدول ۵).

جدول ۵- نتایج آزمون همبستگی بین درصد مهاجرت‌های مرتبط با اشتغال استانها به استان تهران با سطح توسعه‌یافتگی آنها

همبستگی	درصد مهاجرت‌های مرتبط با اشتغال	سطح توسعه‌یافتگی
همبستگی پیرسون	۱	همبستگی پیرسون
سطح معناداری	۰/۰۰۴	سطح توسعه‌یافتگی
تعداد	۳۱	تعداد

** همبستگی در سطح ۰/۰۱ قابل توجه است.

مسائل و مشکلات عمده تهران

روانه شدن سیل عظیم جمعیت و به طور کلی مهاجرت به سمت کلان شهر تهران مسائل و مشکلات متعددی را به وجود آورده که در ادامه به چند مورد از مهمترین این مشکلات پرداخته خواهد شد.

تراکم جمعیت و کمبود سرانه فضاهای عمومی و خدماتی

امروزه تراکم جمعیت یکی از مشکلاتی است که کلانشهرها با آن مواجه هستند. از اوایل قرن بیستم به بعد، شرایط جدیدی در توزیع و پراکندگی جمعیت بویژه در کشورهای کمتر توسعه یافته بوجود آمده است. با بهم خوردن مناسبات تولیدی در این کشورها، مهاجرت از روستا به شهرها بویژه شهرهای بزرگ، معضل حاشیه نشینی را پدید آورده است. بخش قابل توجهی از تغییرات کاربری اراضی کشاورزی بر اثر مهاجرت های شتابان و تمرکز جمعیت در اطراف شهرهای بزرگ اتفاق افتاده است. تهران از این نظر وضعیت بسیار حادّی دارد؛ این شهر که در سال ۱۳۳۵ تنها ۱۰۰ کیلومتر مربع مساحت داشت چنان برق آسا رشد کرد که باعث شد شهرداری در سال ۱۳۵۹ محدوده خدماتی خود را گسترش دهد و مناطق شهرداری از ۱۲ منطقه به ۲۰ منطقه و مساحت شهر نیز به ۵۲۰ کیلومتر مربع افزایش یابد (قرخلو و شهرکی، ۱۳۸۸: ۲۷). در سال ۱۳۷۰ مساحت این شهر به ۷۵۰ کیلومتر مربع رسید و براساس سرشماری رسمی سال ۱۳۸۵ مساحت شهر تهران ۸۰۰ کیلومتر مربع است که به این معنی است که وسعت آن در طول ۵۰ سال ۸ برابر شده است (همان: ۲۸). همچنین تهران یک چهارم جمعیت شهرنشین را در خود جای داده است (رهنمایی و پورموسوی، ۱۳۸۵: ۱۷۸). اگرچه مصوبه مورخ ۱۳۶۹/۱۰/۳ شورای عالی شهرسازی و معماری کشور در خصوص ضوابط مربوط به تأمین فضای عمومی و خدماتی شهرها به صراحت اعلام نموده که: صاحبان اراضی اعم از دولتی و غیردولتی برای استفاده از مزایای ورود به محدوده خدماتی شهر و کسب اجازه قطعه بندی و تفکیک اراضی باید در شهرهای با جمعیت کمتر از ۲۰۰ هزار نفر جمعیت ۵۰ درصد و در سایر شهرها ۵۵ درصد و در تهران ۷۰ درصد زمین خود را نسبت به مازاد بر هزار مترمربع برای تجهیزات و خدمات عمومی به شهرداری واگذار نمایند، و همچنین طبق ماده ۱۰۱ قانون شهرداری ها مالکین اراضی که ملکشان در محدوده پیشنهادی توسعه شهری می باشد تنها زمانی می توانند اقدام به تفکیک و فروش املاک خود نمایند که طرح تفکیکی اراضی خود را تهیه و به شهرداری ارائه نمایند (شورای عالی شهرسازی و معماری ۱۳۸۳: ۲۲)، اما بررسی ها نشان می دهد توسعه شتابان تهران و شهرهای بزرگ دیگر باعث شده در موارد قابل توجهی تفکیک و فروش اراضی با اسناد عادی و بدون طرح تفکیکی انجام شود و فضای لازم برای تأمین خدمات عمومی پیش بینی نگردد و بافت های گسیخته و ناهمگون شهری افزایش یابد. تراکم زیاد جمعیت، بالا بودن سهم کاربری مسکونی نسبت به کاربری های دیگر، ساخت وسازهای غیرمجاز بر روی اراضی با کاربری غیر مسکونی و تغییر کاربری اراضی خدماتی به مسکونی برخی از تبعات موضوع می باشند. به عنوان مثال بررسی تراکم جمعیت کلانشهرها نشان می دهد در حالی که سطوح خدمات شهری به کندی افزایش می یابد، افزایش تراکم جمعیت سریع و قابل توجه می باشد.

آلودگی هوا

بسیاری از شهرهای بزرگ در کشورهای حال توسعه دارای نوعی از ساختار شهری اند که شیوه ای ناپایدار را در خصوص مدیریت آب، تنوع زیستی و کیفیت هوا تقویت می کند. جدایی شدید مسکن، محل کار، فعالیت های تجاری و تفریحی وابستگی به حمل و نقل جاده محور را در این شهرها ایجاد می کند، که در اصل در سطوح بالای آلودگی هوای شهری و تشعشعات گلخانه ای سهم عمده ای دارد. فعالیت های حمل و نقل از پیرامون به مرکز شهر یکی از منابع اصلی آلوده کننده هواست. تعداد زیاد وسایل نقلیه سبب تولید مونو اکسید کربن، دی اکسید کربن، ذرات معلق، اکسید نیتروژن و هیدروکربن ها در هوا می شود ذرات معلق (PM₂₅ & PM₁₀) که درصد زیادی از آلودگی کننده های ثانویه

از قبیل نیترات و سولفات‌ها را تشکیل می‌دهند، دارای تاثیرات بسیار مضر برای سلامت انسانها هستند. آلاینده‌هایی از قبیل ذرات معلق (PM10) و ازن که دراصل نتیجه انتشار اکسیدهای نیتروژن و هیدروکربنها هستند بافت‌های حساس را در انسان، حیوانات و گیاهان را از بین می‌برند و به عملکردهای تنفسی آسیب می‌رسانند. مطالعات اخیر رابطه علی بین O3 و میزان بروز آسم در کودکان دارای فعالیت‌های بدنی را نشان می‌دهد (مک کونل و همکاران، ۲۰۰۲). حیدرزاده رئیس ستاد محیط زیست شهرداری تهران معتقد است که شمار قربانیان آلودگی هوای تهران در هشت سال گذشته (از ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۸) از تعداد کشته‌شدگان جنگ هشت ساله با عراق بیشتر است. سخنگوی فراکسیون محیط زیست مجلس شورای اسلامی در بهمن‌ماه ۱۳۸۷ نیز آمار رسمی مرگ و میر ناشی از آلودگی هوا در تهران را از سال ۸۴ تا ۸۶، ماهانه به طور مستقیم ۱۴۰۰ نفر و سالانه ۱۶ هزار نفر اعلام کرده بود (وب سایت فرارو، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۸۸ کد خبر ۲۵۳۱۲). بررسی‌ها نشان می‌دهد تعداد روزهایی که شهروندان کلانشهرها و بویژه تهران دارای وضعیت هوای ناسالم بوده‌اند کم نیست. به عنوان مثال در سال ۱۳۸۳ شاخص آلودگی هوا در تهران در ۲۶۲ روز از حد استاندارد بالاتر بوده است. همچنین در سال ۱۳۸۵ شاخص آلودگی هوای تهران در ۲۶۱ روز و در سال ۱۳۸۶، ۲۱۸ روز و در سال ۱۳۸۷، ۲۲۳ روز بالاتر از حد استاندارد بوده است (بازگل و جنیدی جعفری، ۱۳۹۰: ۴۱-۳۹).

ترافیک

تراکم نه تنها سرانه برخورداری افراد از مجموعه امکانات و خدمات عمومی را کاهش می‌دهد و سطح رفاه اجتماعی جامعه را تهدید می‌کند، بلکه ظرفیت تحمل‌پذیری انسان را به سرعت اشباع کرده و از این طریق زمینه مناسبی را برای بروز رفتار ناهنجار و ارتکاب جرم و تخلف فراهم می‌آورد. زمانی که فشارها و تنگناهای زیستی موجود در فضای شهری در این آستانه‌ها عبور کند. انسان به طور اجتناب‌ناپذیری، رفتار و واکنشی از خود بروز می‌دهد که بسیاری از آنها امروزه از جمله تخلفات، جرایم و یا ناهنجاریها به شمار می‌آیند، اگرچه سرعت، شدت و نوع رفتارهای افراد مختلف به این فشارها متناسب با منزلت فرهنگی آنها متفاوت است، ولی اثرگذاری آن در بلندمدت می‌تواند همه را تحت‌الشعاع قرار دهد. نمونه بارز این‌گونه رفتارها مقررات راهنمایی و رانندگی یا ناهنجاری‌های رفتار ترافیکی در شهرها بویژه کلان شهرهاست (علی‌اکبری، ۱۳۸۵: ۳۱). حجم بالای خودروهای عمومی و دولتی و افزایش ضریب مالکیت خودروهای خصوصی، معابر شهر تهران را در طول روز به پارکینگ نسبتاً متحرک خودروها تبدیل کرده و علاوه بر افزایش نسبی مصرف سوخت، باعث تشدید آلودگی هوا و آلودگی صوتی می‌شود. اما مهمترین تأثیر ترافیک سنگین تهران که معمولاً مورد غفلت قرار می‌گیرد، اتلاف وقت شهروندان و ایجاد خستگی و بروز اختلالات روحی و رفتاری شهروندان است. اگر به تناسب جمعیت ساکن و شناور، سرانه متوسط اتلاف وقت شهروندان تهران در ترافیک را یک ساعت در نظر بگیریم، روزانه ۱۲ میلیون ساعت وقت انسان‌ها در پایتخت در ترافیک تلف می‌شود که ماهیانه بالغ بر ۳۶۰ میلیون ساعت را شامل می‌شود (قادرمرزی، ۱۳۹۲).

گرانی زمین و مسکن و حاشیه نشینی

شهرنشینی و افزایش روز افزون جمعیت شهری و مهاجرت روستاییان به شهرها، محصول مدرنیته، رشد باسوادی، سیاست‌های اقتصادی، رشد جمعیت و... است. در ایران، پدیده حاشیه نشینی بعد از وقوع اصلاحات ارضی بیشتر نمایان شد. مهاجرت از روستا که در کشور ما عمدتاً به تهران است و بیشتر مهاجران، بیکار، فاقد مهارت و دارای سطح سواد پایین هستند، که به دلیل پایین بودن سطح دستمزد فاقد امکانات مناسب سکونتی می‌باشند (حبیب زاده، ۱۳۸۵). در تهران در سال ۱۳۵۱ در مجموع چهار منطقه حاشیه نشین وجود داشت که جمعیت آنها حدود ۱۰ هزار نفر بوده است اما در سال ۱۳۶۵ حدود ۸۰۰۰ هزار خانوار شهری در مناطق حاشیه‌نشین زندگی می‌کردند که در سال ۱۳۷۵ به ۱۳۳۵۹ خانوار و به عبارتی به ۱۷ درصد جمعیت شهر رسیده است (علی‌اکبری، ۱۳۸۳: ۵۰). حاشیه نشینی در ایران براساس دلایل بی‌شماری اکنون یک معضل ملی محسوب می‌شود، که با ادامه روند فعلی می‌تواند به یک فاجعه ملی منجر گردد. ابعاد معضلاتی که

حاشیه‌نشینی باعث نشو و نمای آن‌ها شده است، بسیار فراتر از عدم هماهنگی در بافت فیزیکی شهرها است. حاشیه‌نشینی که اغلب متشکل از مهاجران روستایی هستند که از روستا به شهر روی آورده‌اند، عمدتاً حامل خصلت‌های اجتماعی هستند که با خصایص جامعه‌ی شهری سنخیتی ندارد، آسیب‌های اجتماعی و سهم محسوسی از وقوع جرم و جرائم در کشور به حاشیه‌نشینان اختصاص یافته است. همچنین بر سطح نازل معیشت اقتصادی این افراد، رواج مشاغل کاذب و غیررسمی را باید افزود.

بحران آب و فاضلاب

کمبود آب در ایران یکی از عوامل محدود کننده اصلی توسعه فعالیت‌های اقتصادی در دهه‌های آینده به شمار می‌رود. منابع آب در اثر بهره‌برداری و استفاده بی‌رویه همواره در معرض آلودگی و یا کاهش کیفیت بوده است. مصرف روبه رشد در تمامی عرصه‌های مصرف اعم از شرب، صنعت، خدمات و کشاورزی پیامدهای تغییر و کاهش کیفیت را به دنبال دارند. در حال حاضر حدود ۲۹ میلیارد مترمکعب از پساب‌های کشاورزی، شهری و صنعتی کنترل نشده در کشور وجود دارد که خطر بالقوه‌ای برای کاهش کیفیت منابع آب است و پیش‌بینی می‌شود این روند در سال ۱۴۰۰ به حدود ۴۰ میلیارد مترمکعب برسد (احمدزاده، ۱۳۸۳). طبق گزارش‌ها حدود ۳۰ درصد آب تهران به دلیل فرسوده بودن لوله‌های انتقال آب، نشت می‌کند. عدم مدیریت صحیح منابع آب در دسترس موجب تشدید کمبود آب در تهران می‌شود و برای جبران این وضعیت دولت مجبور است آب را از صدها کیلومتر دورتر به تهران منتقل کند و حتی آب سدهایی را که به منظوره‌های دیگری احداث شدند را برای تأمین آب شهر تهران اختصاص دهد. همچنانکه وزیر نیرو در اواخر شهریور ۱۳۹۳ در جریان بازدید از سد لار در جمع خبرنگاران گفت: سد ماملو که قرار بود پیش از این آب کشاورزی ورامین و پاکدشت را تأمین کند به علت کمبود منابع آب تهران برای آب شرب مورد استفاده قرار می‌گیرد. مشکل دیگر عدم وجود سیستم فاضلاب کارآمد در شهر تهران است که نتیجه آن آلوده شدن سفره‌های زیرزمینی محدوده این شهر است. حیدرزاده رئیس ستاد محیط زیست شهرداری تهران در این باره معتقد است: منابع زیرزمینی آب تهران به علت نبود شبکه فاضلاب شهری در این کلان‌شهر آلوده شده است. او از آلودگی آب تهران و استفاده ناگزیر از آب‌های زیرزمینی به منظور تأمین آب آشامیدنی مورد نیاز تهرانی‌ها به عنوان چالشی جدی و واقعی برای پایتخت نام برد که به گفته او برخی از مدیران از پرداختن به آن پرهیز می‌کنند. وی با اشاره به این که تهران شبکه فاضلاب شهری ندارد، گفت: تهران در زمینه مدیریت شبکه فاضلاب در میان کلان‌شهرهای دنیا، جزو ده شهر آخر جهان به شمار می‌آید. خبر آلوده بودن سفره‌های زیرزمینی آب در تهران در حالی اعلام می‌شود که به گفته رئیس ستاد محیط‌زیست شهرداری تهران به دلیل کاهش میزان بارندگی و نیز بروز خشکسالی در سال‌های اخیر و همچنین با توجه به افزایش جمعیت و به تبع آن نیاز روزافزون به آب آشامیدنی در پایتخت، برداشت آب از سفره‌های زیرزمینی اجتناب‌ناپذیر شده است. حیدرزاده از مسوولان وزارت نیرو خواسته با توجه به احتمال آلودگی آب آشامیدنی تهران به موادی از جنس نیترات، در این باره رسماً اظهارنظر کنند (وب سایت فرارو، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۸۸ کد خبر ۲۵۳۱۲). با مقایسه استان‌های کشور از نظر درصد جمعیت استان از جمعیت کل کشور و درصد برخورداری استان از منابع آب تجدید شونده کل کشور، ملاحظه می‌شود که در ۱۱ استان آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، اصفهان، تهران، خراسان رضوی، خوزستان، قزوین، قم، مرکزی و همدان درصد جمعیت از درصد برخورداری از منابع آب تجدیدشونده کشور بالاتر است و این به معنای فشار بر منابع آبی می‌باشد (مختاری هشی، ۱۳۹۲: ۶۶). همچنان که در جدول شماره ۶ ملاحظه می‌شود، استان تهران با دارا ۱۹/۴ درصد جمعیت کشور، تنها از ۱/۳ درصد از منابع آب تجدید شونده کشور برخوردار است. و هم اکنون نیز سرانه آب این استان ۱۲۷ مترمکعب است که این میزان در سال ۱۴۰۴ شمسی به ۱۰۰ متر مکعب کاهش خواهد یافت. همچنین درصد تخلیه منابع آبهای زیرزمینی استان تهران با استفاده از چاههای عمیق نسبت به کل تخلیه، ۶۸/۵ درصد است که از میانگین کشوری یعنی ۴۸/۸ درصد بسیار بالاتر است.

جدول ۶- مقایسه جمعیت و منابع آب استان تهران و کل کشور

استان	میانگین بارش بلندمدت (میلیمتر)	مساحت (کیلومتر مربع)	جمعیت ۱۳۹۰	درصد از جمعیت کشور	چشم بارش (میانگین ۴۲ ساله) میلیارد مترمکعب	حجم آب تجدیدشونده (میلیارد مترمکعب)	درصد از حجم آب تجدید شونده کشور	عمیق نسبت کل تخلیه	درصد تخلیه با چاههای	سرانه آب (مترمکعب) سال ۱۳۹۰	نرخ رشد جمعیت ۹۰-۸۵	پیش بینی جمعیت سال ۱۴۰۴	سرانه آب (مترمکعب) سال ۱۴۰۴
کل کشور	۲۴۵	۱۶۴۸۱۹۵	۷۵۱۴۹۶۶۹	۱۰۰	۴۰۴/۴	۱۳۷/۵	۱۰۰	۴۸/۸	۱۸۳۰	۱/۲۹	۸۹۸۸۰۶۲۹	۱۵۳۰	
تهران*	۲۸۹	۱۸/۸۱۴	۱۴۵۹۵۹۰۴	۱۹/۴	۵/۴	۱/۸	۱/۳	۶۸/۵	۱۲۷	۱/۶۹	۱۸۴۵۶۷۹۹	۱۰۰	

• اطلاعات آماری استان البرز با استان تهران محاسبه شده است.

منبع: (همان: ۶۵)

همچنان‌که در جدول ۷، ملاحظه می‌شود، مصرف سرانه آب تهران طی ۳۰ سال بیش از ۳ برابر و میزان مصرف سالانه تقریباً ۴ برابر شده است. نکته قابل توجه این است که برخلاف رشد حدود ۲/۵ درصدی جمعیت شهر تهران در این دوره، مصرف آب با رشد سالانه تقریباً ۵ الی ۶ درصد همراه بوده است.

جدول ۷- جمعیت تهران و مصرف سرانه آب طی سالهای ۱۳۴۵ تا ۱۳۷۰

سال	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۵۹	۱۳۶۵	۱۳۷۰	۱۳۷۵
جمعیت (۱۰۰۰ نفر)	۲۷۲۰	۴۵۳۰	۵۴۵۴	۶۰۴۲	۶۴۷۵	۶۷۵۹
مصرف سالانه آب (MCM)	۹۸	۳۴۶	۴۴۳	۵۴۲	۶۸۱	۸۷۰
مصرف سرانه (لیتر در روز) ^۱	۹۹	۲۰۹	۲۲۲	۲۴۴	۲۸۸	۳۵۲

منبع: (علوی، ۱۳۷۱: ۱-۳۱)؛ (صدر، ۱۳۷۳)؛ (مالکی، ۱۳۷۱: ۱-۳۱)

نتیجه‌گیری

شهر تهران به عنوان پایتخت، پرجمعیت‌ترین شهر کشور است. این شهر که به دلیل مرکزیت سیاسی کشور همه نوع امکاناتی را در خود جای داده و بیشترین درصد بودجه‌های عمرانی کشور را به خود اختصاص داده است. ولی با وجود این همه توجهی که از طرف مسئولین کشور به آن صورت می‌گیرد دارای مشکلات عدیده‌ای است و دست‌اندرکاران این شهر به نوعی از حل مشکلات آن عاجز مانده‌اند و فقط با اختصاص بودجه‌های کلان جهت توسعه زیرساخت‌ها در صدد حل مشکلات به صورت مقطعی می‌باشند و اگر مسئولین امر بتوانند آن بودجه‌هایی را که به صورت مقطعی و برای توسعه امکانات در تهران اختصاص می‌دهند در مناطق توسعه‌نیافته کشور هزینه شود می‌توان برخی مشکلات پایتخت را به صورت ریشه‌ای حل کرد. ارتباط بین مشکلات شهر تهران و مناطق توسعه‌نیافته کشور را می‌توان از طریق مهاجرت‌های بی‌رویه‌ای که از این مناطق به تهران صورت گرفته است درک کرد که عمده‌تأثیر به دلیل کم‌توجهی به این مناطق و توجه زیاد به شهر تهران می‌باشد. ساکنان دیگر مناطق کشور بویژه مناطق حاشیه‌ای، به دلیل عدم وجود اشتغال اقدام به مهاجرت به پایتخت نموده و با افزایش جمعیت این شهر بر مشکلات بی‌شمار آن می‌افزایند و در حقیقت مشکلات سایر نقاط کشور که حل آن‌ها در همان محل آسانتر است به تهران منتقل شده و کوهی از مشکلات لاینحل را بوجود می‌آورد.

با توجه به تحقیقات انجام گرفته توسط محققین مختلف در مورد میزان سطح توسعه یافتگی استانها و میزان مهاجریپذیری؛ استان تهران همواره در رتبه نخست قرار دارد و آمارهای چند دوره سرشماری که در کشور اجرا شده

است، حاکی از آن است که استان تهران و شهر تهران از مهاجرپذیرترین استانها و شهرستانهای کشور بوده‌اند و این موضوع عمدتاً با توجه به وجود مشاغل خدماتی و صنعتی می‌باشد که در این شهر واقع شده است. این آمارها به خوبی نشان می‌دهد که حدود ۲۵ درصد از انگیزه‌های مهاجران انگیزه‌های مربوط به شغل می‌باشد و انگیزه‌های دیگر نیز به طور غیر مستقیم در ارتباط با مسائل شغلی می‌باشند، که این موضوع به دلیل مرکزیت سیاسی کشور می‌باشد که بیشترین میزان سرمایه‌گذاری در بخشهای مختلف اقتصادی و نیز درآمدهای ناشی از نفت می‌باشد که در این استان نسبت به استانهای دیگر بیشتر بوده است و از طرف دیگر مسائل مربوط به توسعه نیافتگی استانهای دیگر کشور می‌باشد که دولت میزان کمتری از بودجه عمرانی کشور را در مقایسه با تهران به این استانها اختصاص داده است. لذا با توجه به وجود رابطه مستقیم بین میزان سرمایه‌گذاری و رونق کسب و کار و ایجاد اشتغال، به نظر می‌رسد چنانچه دولت بتواند به گونه‌ای برنامه‌ریزی کند که به صورت هدفمند و مطالعه شده روند سرمایه‌گذاری در مناطق حاشیه‌ای کشور را افزایش دهد، این امر می‌تواند نه تنها به کاهش مهاجرت از این مناطق به تهران شده و کمکی به ساماندهی شهر تهران نماید، با توجه به انبوه مشکلات زندگی در تهران، حتی می‌تواند در میان مدت موجب معکوس شدن روند مهاجرت از تهران شده و فرایند ساماندهی مشکلات پایتخت را تسهیل نماید. در این میان شهرداری تهران با مدیریت منابع بودجه‌ای خود می‌تواند حتی اقدام به سرمایه‌گذاری‌هایی با توجیه‌پذیری بالا در برخی از مناطق حاشیه‌ای و مهاجرپرست کشور نماید و به نظر می‌رسد این امر در مقایسه با حجم مشابه سرمایه‌ای که در تهران برای ساماندهی مشکلات این شهر هزینه می‌شود، به مراتب اثرات بیشتری در ساماندهی مشکلات این شهر داشته باشد. چرا که هرگونه هزینه‌ای که در تهران و برای ساماندهی آن می‌شود، خود در عمل منجر به افزایش شکاف توسعه‌ای این شهر با نقاط دیگر کشور شده و در نتیجه انگیزه‌های مهاجرت به این شهر را افزایش می‌دهد و این دور باطل هرگز به نتیجه نمی‌رسد. دولت و شهرداری تهران باید به جای برخورد انفعالی با مشکلات این شهر، با شناخت منشأ آن‌ها به صورت ریشه‌ای برخورد نمایند. برخی مطالعات نشان می‌دهند که حداکثر ظرفیت اکولوژیک تهران حدود ۲ الی ۳ میلیون نفر است در حالی که امروزه جمعیت بسیار بالاتر از این رقمها در آن زندگی می‌کنند. درواقع مشکل تهران این است که بدون توجه به ملاحظات بوم شناختی که شهر تهران در آن قرار گرفته است، اقدام به گسترش آن شده است، این روند باید روزی متوقف شود.

منابع و مآخذ

۱. احمدزاده، زرین (۱۳۸۳)، بحران آب در ایران و جهان و توسعه پایدار، www.glo110.blogfa.com/post-432.aspx
۲. اسلامی، سیف الله (۱۳۹۱)، مجله اقتصادی - ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی شماره ۱، صص ۶۸-۴۱.
۳. بازگل، سمیه، جنیدی جعفری، احمد (۱۳۹۰)، بررسی مقایسه‌ای کیفیت بهداشتی هوای شهرهای تهران و اصفهان در سال ۱۳۸۷، مجله علوم پزشکی رازی، شماره ۸۴، صص ۴۶-۲۸.
۴. بهفروز، فاطمه (۱۳۸۰)، زمینه‌های غالب در جغرافیای انسانی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۵. پاپلی یزدی، محمد حسین، ابراهیمی، محمد امیر (۱۳۹۰)، نظریه‌های توسعه روستایی، چاپ دوم، انتشارات سمت.
۶. حافظ‌نیا، محمد رضا (۱۳۸۱)، جغرافیای سیاسی ایران، سمت، تهران.
۷. حبیب‌زاده، افشین (۱۳۸۵)، مهمترین مشکلات شهر تهران و چاره اندیشی مناسب، روزنامه اعتماد، شماره ۱۲۸۳ به تاریخ ۸۵/۹/۲۲
۸. رهنمایی، محمدتقی و پورموسوی سیدموسی (۱۳۸۵)، بررسی ناپایداری‌های امنیتی کلانشهر تهران بر اساس شاخص‌های توسعه پایدار شهری، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵۷، صص ۱۹۳-۱۷۷.
۹. زنجان، حبیب (۱۳۷۶)، جمعیت و فضا در طرح کالبدی ملی، وزارت مسکن و شهر سازی.
۱۰. شکویی، حسین (۱۳۷۴)، دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، تهران، انتشارات سمت.
۱۱. شورای عالی شهرسازی و معماری کشور، (۱۳۸۳)، مقررات شهرسازی و معماری و طرح‌های توسعه و عمران، تهران.

رویکرد سرمایه گذاری اشتغال‌زا در مناطق توسعه نیافته کشور ... / ۳۱

۱۲. صدر، کاظم (۱۳۷۳)، برآورد تابع تقاضای آب شهر تهران، مجله آب، شماره ۱۳، صص ۴۷-۵۸.
۱۳. طاهرخانی، مهدی (۱۳۸۰)، تحلیلی بر عوامل موثر بر مهاجرت روستا - شهری، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۱۶، شماره ۳، صص ۶۷-۹۳.
۱۴. علوی، علی اکبر (۱۳۷۱)، روند افزایش مصرف آب تهران و لزوم اعمال روشهای صرفه جویی، کنفرانس صرفه جویی در مصارف کشاورزی، شرب و صنعت، صص ۱-۳۱.
۱۵. علی اکبری، اسماعیل (۱۳۸۳)، توسعه شهری و آسیب شناسی اجتماعی در ایران، فصلنامه پژوهشهای جغرافیایی، شماره ۴۸.
۱۶. قادرمربی، حامد (۱۳۹۲)، ضرورت انتقال پایتخت از تهران، قابل دستیابی در:
<http://www.kurdpress.com/Fa/NSite/FullStory/News/?Id=55745#Title>
۱۷. قرخلو، مهدی؛ زنگنه شهرکی، سعید (۱۳۸۸)، شناخت الگوی رشد کالبدی - فضایی شهر با استفاده از مدل‌های کمی: نمونه تهران، مجله جغرافیا و برنامه ریزی محیطی، شماره ۳۴، صص ۱۹-۴۰.
۱۸. قرخلو، مهدی؛ حبیبی، کیومرث (۱۳۸۵)، تحلیل مهاجرت در ارتباط با سطح توسعه یافتگی استانهای کشور با استفاده از تکنیک‌های برنامه‌ریزی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۸۱، صص ۵۹-۸۳.
۱۹. مالکی، احمد (۱۳۷۱)، احداث شبکه لوله کشی آب تهران و مشکلات ناشی از آن، اولین سمینار بررسی مسائل آب و فاضلاب در شهرهای بزرگ، صص ۱-۳۱.
۲۰. مختاری هشی، حسین (۱۳۹۲)، هیدروپلیتیک ایران؛ جغرافیای بحران آب در افق در سال ۱۴۰۴، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال نهم شماره سوم، پاییز ۱۳۹۲، صص ۴۹-۸۳.
۲۱. مرکز آمار ایران، ۱۳۵۵.
۲۲. مرکز آمار ایران، ۱۳۶۵.
۲۳. مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵.
۲۴. مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵.
۲۵. مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰.
۲۶. مویر، ریچارد (۱۳۷۹)، درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی، ترجمه دره میرحیدر و یحیی صفوی، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، تهران.
۲۷. میرحیدر، دره (۱۳۸۱)، مبانی جغرافیای سیاسی، تهران: انتشارات سمت.
28. Cohen, Saul Bernard (1964); Geography and Politics in A Divided World, London, Methuen
29. Dikshit, Ramesh Dutta (1995); Political Geographi, The disciplain and Diminsion New Delhi, Tatamcgraw-Hill Publishing Company limited.
30. McConnell, R and et al (2002); Asthma in Exercising Children Exposed to Ozone, The Lancet, 359, 9304.
31. Pounds, Norman J. G (1963); "Political Geography", New York: McGraw HilCo. INC. IBookCo. INC.
32. Taylor, Peter j (1989); political Geographi: world economy, nation-state, and locality, New York, lengmon scientific & Technical, u.k.
33. Weigert, Hands W & et al (1957); principles of political Geographi, New York: Appleton- century-crofts, jnc.
34. www.fararu.com (۲۸ اردیبهشت ۱۳۸۸ کد خبر ۲۵۳۱۲) آب تهران را با احتیاط بنوشید!